

خوزستان، نمادی از کل ایران

غفلت از توسعه متوازن



مرتضی افشه

استاد اقتصاد دانشگاه شهید
چمران اهواز

چرا باید خواند:
چرا شهرهای جنگ زده
بعد از پایان جنگ
توسعه پیدا نکرد:
نتیجه مطالعه موردی
استان خوزستان در
حوزه توسعه چه بوده
است؟ برای رسیدن
به پاسخ، این مقاله را
بخوانید.

پیش از ورود به مطلب، بیان نقل قولی از جلال آل احمد در مورد خوزستان اهمیت تاریخی این استان را پررنگ تر می‌کند: «خوزستان در نظر من شخصی بوده است به صورت خاکی، کسی بوده است به صورت اقلیمی، که اگر تو خود زیر آسمانش نیز به سر نبری، او مدام زیر آسمان تنگ ذهن تو به سر می‌برد. و خوزستان نه تنها مدام در آسمان این ذهن بوده است بلکه پنداری بر آسمان سیاست و اقتصاد سراسر این مملکت سایه انداخته است. حتی اگر جسارت کنم، بایدم گفت که در تمام گوشه‌های مملکت، ما همه به برکت خوزستان زندگی می‌کنیم و در سایه آن آسمان بزرگ.»

شاید این سخن همچنان اعتقاد اغلب افرادی باشد که با اقتصاد ایران آشنا هستند. البته این گفته مربوط به دورهای است که تنها نفت خوزستان بر کل اقتصاد ایران سایه افکنده بود، امروز اما علاوه بر نفت، منابع و منافع اقتصادی و سیاسی و استراتژیک دیگری وجود دارند که جایگاه خوزستان را برای کل کشور و مردم ایران پراهمیت تر کرده است.

خوزستان سرزمینی است متشکل جمع اعداد؛ از یک طرف انبوهی از قابلیت‌ها و فرصت‌ها، و از طرف دیگر مجموعه‌ای از تهدیدها و ضعف‌ها. اگرچه تاریخی کهن و تأثیرگذار داشته اما از حدود ۱۱۴ سال پیش خود را به جهان امروز نمایانده است. کشف اولین چاه نفت در خاورمیانه در سال ۱۲۸۷ شمسی (۱۹۰۸ میلادی) در مسجدسلیمان وضعیت این استان، کشور، خاورمیانه و حتی جهان را دگرگون کرد. با شروع و اوج‌گیری فعالیت‌های نفت به مدت ۷۰ سال، این استان به یکی از پیشرفته‌ترین و برخوردارترین مناطق کشور تبدیل شد، اما با وقوع انقلاب و جنگ، دوره افول خوزستان شروع شد. اگرچه منابع طبیعی و نعمت‌های خدادادی این استان هنوز وجود دارند اما برخلاف دوره‌های پیش از انقلاب و جنگ، امروز شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی خوزستان در ردیف استان‌های محروم کشور قرار گرفته است. به همین دلیل سال‌هاست این سؤال که «چرا به رغم این همه برخورداری و ثروت، خوزستان جزو مناطق نسبتاً محروم کشور است»، در بین ساکنین آن تکرار می‌شود. در واکنش به این سؤال، پاسخ‌های فراوان اما عمدتاً سطحی و غیر عالمانه‌ای داده شده است. پاسخ‌ها عمدتاً ناشی از فقدان شناخت و دانش، و نیز نگاه غیر توسعه‌ای به مقوله پیشرفت است و بنابراین هیچ‌گاه کمکی به تغییر وضعیت استان نکرده است. در واقع به دلیل تشخیص نادرست ریشه‌های مشکل، نسخه اشتباه تجویز شده و در نتیجه هم سرمایه‌ها تلف شده‌اند و هم فرصت‌های جبران‌ناپذیر برای پیشرفت، از بین رفته‌اند. شاید مروری مختصر بر قابلیت‌ها و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نیز جایگاه استراتژیک استان خالی از فایده نباشد:

۱- ترکیب جمعیتی: بافت سنتی خوزستان تشکیل شده است از قدیمی‌ترین اقوام و ملیت‌های ایرانی شامل عشایر عرب و عشایر بختیاری، در کنار ساکنینی در شهرهای بهبهان، رامهرمز، شوشتر و دزفول و شوش که از قرن‌ها پیش زندگی شهری را تجربه

کرده‌اند. به این یافت بومی، مجموعه‌ای از هم‌وطنان سایر مناطق کشور را که به دلیل فعالیت شرکت نفت و جاذبه‌های اقتصادی، به این استان مهاجرت کردند، اضافه کنید. این ترکیب جمعیتی با داشتن ذخایر ارزشمند فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، سرمایه اجتماعی بالقوه‌ای برای رشد و رفاه استان و کشور فراهم کرده است.

۲- موقعیت جغرافیایی کاملاً بی‌نظیر: خوزستان تنها استانی است که دارای سه نوع مرز با ویژگی‌های خاص خود است: مرز خاکی؛ مرز آبی (رودخانه‌ای)؛ مرز آبی (دریایی).

۳- هم‌جواری با ثروتمندترین کشورهای منطقه: که فرصت مناسبی برای مبادلات تجاری کشور و استان را فراهم کرده است.

۴- برخورداری از بیشترین آب‌های سطحی و همیشه جاری کشور (حدود ۳۰ درصد آب‌های جاری در کشور): این قابلیت باعث تأسیس ۷ سد عظیم در استان شده که علاوه بر تأمین ۳۰ درصد از برق تولیدی کشور، امکانات بالقوه و بالفعل فراوانی در بخش‌های کشاورزی، صنعت، و خدمات (به‌خصوص گردشگری) فراهم آورده است.

۵- برخورداری از بیشترین ذخایر نفتی کشور: ثروتی که بیش از یک قرن موتور محرک اقتصاد کشور بوده است.

۶- قرار گرفتن در منطقه‌ای جغرافیایی متشکل از دو بخش کوهستانی و جلگه‌ای: این موقعیت به استان فرصت داده است که ضمن برخورداری از تنوع نسبی آب‌وهوایی و بنابراین امکان کشت‌های متنوع و چهار فصل، از جاذبه‌های کم‌نظیر طبیعی و اقلیمی برخوردار شود.

۷- وجود جاذبه‌های گردشگری بدیع و متنوع: خوزستان از همه ابعاد گردشگری شامل گردشگری تاریخی، گردشگری طبیعی، گردشگری مذهبی، و گردشگری صنعتی برخوردار است.

۸- برخورداری از تمامی سیستم‌های حمل‌ونقل شامل: جاده‌ای، ریلی، هوایی و آبی (دریایی و رودخانه‌ای)؛ این شرایط به استان فرصت داده تا روان‌تر از بسیاری استان‌های دیگر کشور با سایر مناطق (داخلی و خارج) دادوستدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی داشته باشد.

۹- خوزستان شیرین‌ترین استان کشور است: زیرا علاوه بر وجود نخلستان‌های وسیع و متنوع، انحصار کشت و صنعت‌های نیشکر را در اختیار دارد. وجود کشت و صنعت‌های معروف هفتگانه در کنار دو کشت و صنعت قدیمی هفت تپه و کارون، امکان گسترش صنایع جانبی مرتبط و به تبع آن اشتغال فراوان را در استان فراهم کرده است.

۱۰- وجود بنادر تجاری بزرگ امام خمینی، خرمشهر و آبادان: این امکان را به استان داده تا بخش قابل توجهی از تجارت جهانی کشور از این استان صورت پذیرد، قابلیتی که به رونق واحدهای خدماتی و صنعتی مرتبط و افزایش اشتغال کمک کرده است.

۱۱- وجود صنعت فولاد و زنجیره صنعتی آن در تولید فلزات اساسی: که به استان (به‌عنوان دومین قطب صنایع ذوب فلزات) فرصت سرمایه‌گذاری و گسترش صنایع با پیوندهای پسین (Backward Linkage) را داده است.

۱۲- وجود مجتمع‌های عظیم پتروشیمی: به استان امکان سرمایه‌گذاری و گسترش صنایع با پیوندهای پسین را داده است که بالقوه امکان اشتغال فراوانی را ایجاد کرده است.

۱۳- وجود سرمایه‌های اجتماعی، انسانی و فیزیکی بازمانده از ۱۱۴ سال فعالیت شرکت نفت: با پیشرفته‌ترین فناوری‌ها و مدرن‌ترین شیوه‌های مدیریت شهری و

حادثه متروپل آبادان جرقه‌ای شد تا بار دیگر استان خوزستان در صدر اخبار داخلی و خارجی قرار گیرد. هرچند در دهه‌های گذشته حوادث مشابه در ایران بسیار بوده، اما حادثه متروپل باعث شد یک بار دیگر نارضایتی مردم، محصول سه دهه بی‌اعتنایی نسبت به مدیریت استان پراهمیتی مثل خوزستان، برجسته شود.

از مناطق در تعدادی از کشورهای جهان در همین مدت بارها ویران شد اما خیلی زود به مناطق آباد اولیه بازگشتند.

برخی نیز دلیل عقب‌ماندگی استان را تحمیل مسئولین غیربومی بر استان می‌دانند؛ این در حالی است که اغلب استان‌های برخوردار فعلی دارای مدیران غیربومی بوده و هستند. مضافاً اینکه، از زمان انقلاب تاکنون چندین استاندار بومی در استان مدیریت کرده‌اند و وضعیت استان اگر بدتر نشده بهبودی هم نداشته است.

بی‌توجهی و بی‌اعتنایی مسئولین مرکز نسبت به استان خوزستان دلیل دیگری است که برخی برای عقب‌ماندگی استان ذکر می‌کنند. حتی اگر این مورد با واقعیت سازگار باشد، باز هم به دلیل نابالغی و توسعه‌نیافتگی اغلب نخبگان استان است.

یکی از شایع‌ترین مواردی که برای عقب‌ماندگی استان مطرح می‌شود، فقدان افراد و مسئولین خوزستانی در بین تصمیم‌گیران کلان کشور است. این دلیل نیز با شواهد موجود سازگاری ندارد زیرا از بدو انقلاب تاکنون خوزستانی‌های تأثیرگذار فراوانی در همه سطوح کلان‌مدیریتی و تصمیم‌گیری حضور داشته‌اند. ذکر مثالی ظریف از شهر مسجدسلیمان در اینجا خالی از لطف نیست. مسجدسلیمان (شهری که اولین چاه نفت خاورمیانه در آن کشف شد و تا زمان اتمام ذخایر نفتی آن در نیمه اول دهه ۱۳۵۰، یکی از مدرن‌ترین شهرهای کشور بود)، از عبرت‌انگیزترین شهرهای کشور و مناسب‌ترین مکان برای مطالعه و تحقیق متفکرین علوم اجتماعی است. شهری که همچون آبادان به شهر اولین‌ها معروف است و زمانی به دلیل حضور مدیران انگلیسی شرکت نفت، از پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها و سیستم‌های اداری، اجرایی و عمران شهری برخوردار بود امروز یکی از بدترین شاخص‌های اقتصادی اجتماعی کشور را دارا است: سال‌هاست که این شهر، با بالاترین نرخ‌های بیکاری، نرخ اعتیاد و میزان خودکشی در بین جوانان مواجه است. غم‌انگیزتر آنکه، این شهر با دریاچه‌های دو سد بزرگ گدار (مسجدسلیمان) و شهید عباسپور تنها ۲۵ کیلومتر فاصله دارد، ولی بسیاری از ساکنینش در شبانه‌روز فقط دو ساعت جیره استفاده از آب را دارند. مسجدسلیمان به این دلیل مثال زده شد که یکی از افرادی که از ابتدای انقلاب تاکنون بالاترین رده‌ها را در سطح کشور داشته، اهل و زاده این شهر فعلاً محروم است. بنابراین، نداشتن افراد بانفوذ در مراکز تصمیم‌گیری کشور دلیلی موجه برای عقب‌ماندگی استان نیست.

می‌گویند دلیل عقب‌ماندگی خوزستان نگاه امنیتی به این استان است؛ این ادعا اثبات نشده است. مضافاً اینکه اگر این عامل وجود داشته باشد باز هم به دلیل کوتاهی خوزستانی‌هایی که در مدیریت کلان کشور تأثیرگذارند و نتوانسته‌اند این نگاه را عوض کنند.

اعتقاد توده مردم و بسیاری از نخبگان استان بر این است که درآمد‌های ناشی از ثروت خوزستان صرف عمران و آبادی تهران و چند استان بانفوذ دیگر می‌شود در حالی که به بودجه کافی به استان تخصیص داده نمی‌شود. این ادعا نیز به گواهی اسناد و مدارک موجود، صحت ندارد. شواهد نشان می‌دهد که بودجه‌های استان در اغلب سال‌ها از متوسط بسیاری از استان‌های برخوردار بالاتر بوده است، اما به دلیل ناکارآمدی مجموعه مدیران استان، استفاده مطلوب از منابع مالی دریافتی نشده و در بسیاری موارد با اتلاف و فرصت‌سوزی همراه بوده است.

برخی گرما و شرجی طولانی در استان را دلیل عقب‌ماندگی آن ذکر می‌کنند. این دلیل نیز فاقد توجیه علمی است زیرا، خوزستان در طول تاریخ همین آب‌وهوا را داشته است اما تا پیش از انقلاب یکی از استان‌های پیشرفته و برخوردار کشور بوده است! به علاوه با این استدلال کشورهای حوزه خلیج فارس و بسیاری از مناطق در کشورهای پیشرفته که اقلیمی مشابه و بعضاً بدتر از استان خوزستان دارند باید از عقب‌ماندگی رنج می‌بردند.

اداری به‌خصوص در شهرهای نفتی استان.

این امکانات عظیم اقتصادی و اجتماعی باعث شده است تا اقتصاد خوزستان با احتساب نفت جایگاه دوم و بدون آن جایگاه سوم را در اقتصاد کشور دارا باشد. در واقع، استان خوزستان تنها استانی است که در هر چهار بخش اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات، و نفت) جایگاهی ملی دارد. با این وصف، بی‌تدبیری‌های بسیار در مدیریت استان که ناشی از نبود انسجام اجتماعی در درون استان و غفلت بی‌اعتنایی مدیریت کلان کشور است، باعث شده که اغلب قابلیت‌ها و فرصت‌های پیش‌گفته، نه تنها به پیشرفت و رفاه ساکنین تبدیل نشود بلکه بعضاً به نقاط ضعف و تهدید در سطح استان تبدیل شوند، به طوری که اکنون اغلب شاخص‌های اقتصادی اجتماعی این استان در پایین‌ترین سطح خود و عمدتاً در رده استان‌های محروم کشور قرار گیرند. این محرومیت و عقب‌ماندگی برای ساکنین استان به‌خصوص در مقام مقایسه با گذشته خود و نیز با برخی استان‌های دیگر، بسیار سنگین و غیرقابل‌پذیرش است. در واقع، دو دلیل عمده می‌توان برای کم‌تحمیلی و بی‌تایی ساکنین خوزستان نسبت به وضعیت موجود در مقایسه با سایر استان‌ها برشمرد: ۱. اغلب شهرهای نفتی خوزستان در دوره شرکت نفت که با مدیریت (غیرمستقیم و مستقیم) کارشناسان و متخصصین انگلیسی و آمریکایی در سطح استاندارد کشورهای پیشرفته صورت می‌پذیرفت، بهترین دوره تاریخ خود را تجربه کرده‌اند. اغلب ساکنین اکنون شرایط نه‌چندان مطلوب خود را با آن دوره طلایی مقایسه می‌کنند. ۲. ساکنین خوزستان احساس می‌کنند در شرایطی که بیشترین منابع ثروت کشور در این استان است، خود جزو استان‌های محروم هستند اما منافع این ثروت‌ها موجب پیشرفت و رونق تهران و چند استان دیگر شده است. شاید بتوان همین احساس را به کل مردم ایران نیز تعمیم داد، زیرا از یک‌طرف ایرانیان وضعیت معیشتی و رفاهی خود را با دهه‌های ۴۰ و ۵۰ مقایسه می‌کنند، و از طرف دیگر، خود را با کشورهای نفت‌خیز هم‌جوار مقایسه می‌کنند. همین امر باعث شده مردم ایران در مواجهه با مشکلات اقتصادی و در مقایسه با کشورهایی که چنین تجربه‌ای نداشته‌اند، بی‌تایی و نارضایتی بیشتری از خود بروز می‌دهند.

اما برای این محرومیت و عقب‌ماندگی خوزستان، دلایل متعددی توسط نخبگان استان بیان شده که به نظر نمی‌رسد با واقعیات موجود سازگار باشند. همین خطا در تشخیص دلیل عقب‌ماندگی، باعث تداوم ناکامی‌ها و در بسیاری موارد تشدید آن شده است. برخی از مواردی که به غلط به‌عنوان دلیل عقب‌ماندگی استان ذکر می‌شوند به‌قرار زیر است:

برخی هنوز دلیل عقب‌ماندگی را جنگ ۸ ساله در استان می‌دانند؛ در حالی که بیش از ۳۴ سال از پایان جنگ گذشته است. یادمان باشد که ماه‌تیر محمد به فاصله ۲۰ سال کشوری عقب‌مانده را متحول و با شتاب بالا در مسیر توسعه قرار داد. بسیاری

نکته‌هایی که باید بدانید

امکانات عظیم اقتصادی و اجتماعی باعث شده است تا اقتصاد خوزستان

با احتساب نفت جایگاه دوم و بدون آن جایگاه سوم در اقتصاد کشور را

دارا باشد. در واقع، استان خوزستان تنها استانی است که در هر چهار بخش

اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات، و نفت) جایگاهی ملی دارد.

بی‌تدبیری‌های بسیار در مدیریت استان خوزستان که ناشی از نبود

انسجام اجتماعی در درون استان و غفلت بی‌اعتنایی مدیریت کلان کشور

است، باعث شده که اغلب قابلیت‌ها و فرصت‌های پیش‌گفته، نه تنها به

پیشرفت و رفاه ساکنین تبدیل نشود بلکه بعضاً به نقاط ضعف و تهدید در

سطح استان تبدیل شوند.

اغلب شاخص‌های اقتصادی اجتماعی در استان خوزستان در پایین‌ترین

سطح خود و عمدتاً در رده استان‌های محروم کشور قرار می‌گیرند.

۷- علاوه بر موارد فوق، دو مسئله جدید اقلیمی به تهدیدات موجود در استان اضافه شده‌اند که زمینه را برای تشدید دور باطل عقب‌ماندگی استان فراهم کرده است: ۷.۱. پدیده ریزگردها که بیش از یک دهه است استان را درگیر کرده است؛

۷.۲. کمبود آب از یک طرف به دلیل سوءتعبیر در مرکز و در استان، برداشت آب از سرچشمه‌های کارون و دز، نه تنها تبعات زیست‌محیطی و بنابراین اقتصادی مخربی در استان داشته است، بلکه موجب بروز پدیده خطرناک تضاد و دشمنی بین مردم مناطق و استان‌های کشور شده است. این چالش اجتماعی اقتصادی و اقلیمی به دغدغه ذهنی اغلب نخبگان و افراد عادی استان تبدیل شده است.

۸- وجود روحیه مزدبگیری در بین بسیاری از جوانان استان مانع از شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینی در استان شده است. این روحیه احتمالاً به دلیل وجود شرکت‌های بزرگ و ملی از شروع فعالیت‌های نفت در استان و تداوم آن با گسترش فعالیت‌های بزرگ دیگر همچون صنایع ذوب فلزات، کشت و صنعت‌های هفت‌گانه نیشکر، بنادر و واحدهای تولید برق و انرژی که با شرایط غیرقابل مقایسه نسبت به سایر واحدهای خصوصی و دولتی نیروهای خود را استخدام می‌کنند، است.

۹- نگاه رانتی (کام‌جویانه) به مسئولیت‌ها و تشدید آن به دلیل بافت قومی استان باعث شده است که نخبگان استان به جای توجه به شایستگی‌های افراد، به قومیت آن‌ها توجه کرده و انتخاب مدیران استان سال‌هاست به محلی برای کشمکش بین اقوام و گروه‌های سیاسی تبدیل شده که خود اتلاف انرژی، زمان و هزینه زیادی برای ساکنین استان در پی داشته است. به نظر می‌رسد دلیل این کشمکش آن است که مسئولیت‌ها و موقعیت‌های اجرایی، امتیاز و رانت تلقی می‌شوند نه مسئولیت (به این معنی که افراد در مقابل عملکرد خود مورد سؤال قرار گیرند). هر قوم و گروه (با حمایت نمایندگان شهرهای خود) به دنبال آن است که فردی از خودی‌ها را منصوب کند تا بعد از مزایا و رانت‌های قومی و گروهی بیشتر استفاده کند (اگرچه این نوع نگاه در کل کشور حاکم است اما به دلیل بافت قومی استان و بی‌تدبیری‌های صورت‌گرفته در جهت همگرایی این بافت، این ویژگی در استان پررنگ‌تر و تأثیرگذارتر بوده است).



با این توضیحات اکنون می‌توان دلیل عمده نارضایتی‌های ساکنین خوزستان را بیشتر درک کرد. اما حادثه متروپل آبادان جرقه‌ای شد تا بار دیگر استان خوزستان در صدر اخبار داخلی و خارجی قرار گیرد. هرچند در دهه‌های گذشته حوادث مشابه در ایران بسیار بوده، اما حادثه متروپل باعث شد یک بار دیگر نارضایتی مردم، محصول سه دهه بی‌اعتنایی نسبت به مدیریت استان پراهمیتی مثل خوزستان، برجسته شود. یکی از کج‌فکری‌های تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کشور آن است که تصور می‌کنند برای پیشرفت یک جامعه تأمین بودجه و پول کفایت می‌کند، به همین دلیل با بهره‌گیری از درآمدهای نفتی، به اندازه کافی به این استان و حتی به استان‌های محروم کشور بودجه تزریق شده است، اما به دلیل غفلت از نقش مهم‌تر مدیریت، معمولاً از افراد کوچک و فاقد توان و تخصص و تجربه در این مناطق استفاده شده است. لاجرم، بخش قابل توجهی از این منابع به دلیل بی‌کفایتی مدیران و یا فساد حاکم بر ساختارها تلف شده‌اند. حتی بخش قابل توجهی از انبوه منابعی که برای بازسازی مناطق جنگی استان به خصوص آبادان و خرمشهر تخصیص داده شد به همین دلایل تلف شد و آبادان و خرمشهر هرگز به شرایط طلایی خود بازنگشتند. خرمشهر که زمانی مهم‌ترین بندر تجاری و یکی از زیباترین شهرهای کشور بود و اغلب قریب به اتفاق تجار بزرگ کشور را میزبانی می‌کرد، هم‌اینک به شهری بسیار فقیر و آفسرده تبدیل شده است. و آبادان که به دلیل وجود اولین و بزرگ‌ترین پالایشگاه منطقه زمانی مدرن‌ترین و مرفه‌ترین شهر ایران بود اکنون به شهری عقب‌مانده تبدیل شده است. با این وصف، هنوز مردم این شهر به خاطرات گذشته خود و نسل‌های پیشین خود حسرت می‌خورند و هرازگاهی با حادثه‌های این چنین اندوه فروخته‌شان سر باز می‌کند و تبدیل به بحرانی بزرگ برای کشور می‌شود. در آخر اشاره کنم که بخش قابل توجهی از مواردی که در فوق بیان شد، شباهت زیادی به شرایط کل کشور دارد، به همین دلیل است که می‌توان گفت که خوزستان، نمادی از کل ایران است. ■

حال سؤال این است که دلیل عقب‌ماندگی استان در عین برخورداری‌های وسیع اقتصادی اجتماعی چیست؟ به نظر می‌رسد، توضیح فرانسوا پرو (Francios Perro)، اقتصاددان مشهور فرانسوی در تبیین نظریه معروف قطب توسعه، پاسخ مناسب‌تری برای این سؤال باشد. براساس این نظریه، هرگاه قطب توسعه‌ای در منطقه‌ای ایجاد شود، امواج توسعه مناطق اطراف را منتفع می‌کند مگر آنکه عوامل کندکننده در اطراف قطب مانع از انتشار آن امواج شوند، که در این صورت امواج توسعه به خارج از منطقه منتقل می‌شوند. جالب آنکه ایشان در تشریح نظریه خود، از آبادان به‌عنوان منطقه‌ای نام برده که نتوانست امواج توسعه ایجادشده از کشف نفت را جذب کند و لاجرم امواج آن به خارج از کشور منتقل شد. اگرچه پرو پالایشگاه نفت آبادان را به‌عنوان قطب توسعه در منطقه ذکر کرده است اما به نظر می‌رسد اکنون عوامل کندکننده بیشتری در مقایسه با دوره پرو مانع از بهره‌مندی مناسب ساکنین استان از تعداد قابل توجهی از قطب‌های توسعه موجود در استان شده‌اند. این عوامل کندکننده به نظر می‌رسد عمدتاً غیراقتصادی (اجتماعی- فرهنگی) باشند که برخی از آن‌ها به‌قرار زیر است:

۱- وجود فضایی غیر توسعه‌ای و یا ضد توسعه‌ای: ساکنین و به‌خصوص نخبگان (روشنفکران، روحانیون، دانشگاهیان...) بومی نگاهی غیر توسعه‌ای به مقوله پیشرفت دارند؛ به این معنی که تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال اولویت اصلی و عملی افراد مسئول و غیرمسئول اما تأثیرگذار در تصمیمات نیست. این وضعیت البته عارضه حاکم بر کل کشور است اما در استان خوزستان نمود بارزتری دارد.

۲- ضعف مدیریت در استان: انتصاب مدیرانی عمدتاً ضعیف یا بسیار ضعیف در استانی بسیار پراهمیت طی سه دهه گذشته در رأس و در بسیاری از دستگاه‌های مهم و تأثیرگذار در فرآیند رشد استان.

۳- بی‌ثباتی مدیریت: همین مدیران ضعیف نیز جایگاه باثباتی نداشته‌اند. مرور سه دهه مدیریت پس از جنگ استان، نشان می‌دهد که متوسط عمر یک استاندار در خوزستان بین دو تا سه سال بوده است. بدیهی است که با تغییر استاندار، اغلب افراد زیرمجموعه شامل معاونین، فرمانداران و بخشداران و حتی مدیران سایر دستگاه‌های دولتی نیز در معرض تغییر قرار می‌گیرند. نیاز به توضیح ندارد که بی‌ثباتی مدیریتی ضمن تحمیل هزینه‌های انبوه بر مردم و اقتصاد کشور، امکان برنامه‌ریزی رشد و توسعه را نیز از بین خواهد برد.

۴- شیوه مدیریت واحدهای ملی و بزرگ: جایگاه ملی واحدهایی مثل شرکت نفت، پتروشیمی‌ها، صنایع ذوب فلزات، کشت و صنعت‌های هفتگانه، بنادر، و آب و برق باعث شده که مدیریت این واحدها به‌صورت جزیره‌ای و مجزا از مدیریت کلان استان و به‌صورت موازی اما بی‌ارتباط با سایر واحدهای سیاسی و اقتصادی استان انجام پذیرد. این شیوه مدیریت در کنار عوامل دیگر، باعث شده تا عمده منافع واحدهای ملی به خارج از استان منتقل شود در حالی که زبان‌ها و مشکلات ناشی از فعالیت این واحدها شامل آلودگی، تورم ناشی از حجم گردش مالی، ازدحام و تصادفات، تبعیض و نابرابری بین شاغلین آن‌ها و سایر فعالیت‌ها و... در استان رسوب کند.

۵- خروج نخبگان بعد از شروع جنگ: اگرچه اغلب مدیران و مردم بخشی از عقب‌ماندگی استان را ناشی از خسارات مادی جنگ می‌دانند، اما به نظر می‌رسد خسارتی که خوزستان از مهاجرت بخش وسیعی از نخبگان خود دید به‌مراتب بیشتر از خسارات مادی واردشده در طول جنگ بود. لازم به توضیح است که در طول فعالیت ۷۰ ساله شرکت ملی نفت در استان خوزستان، انبوهی از نیروهای کارآمد به خوزستان مهاجرت کرده و با بهره‌گیری از امکانات موجود استان، تعداد زیادی از نیروهای نخبه و در سطح ملی شامل سرمایه‌داران، مدیران، متخصصان، اساتید و معلمین شناخته‌شده، مدیران با تجربه، پیمانکاران توانمند و هنرمندان پرورش یافتند اما به دلیل وقوع جنگ، از این استان مهاجرت کردند و هرگز بازنگشتند.

۶- طی سه دهه گذشته به دلیل وجود و تداوم عقب‌ماندگی در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی (در مقایسه با استان‌های مشابه) به‌خصوص حاکم بودن تنگ‌نظری‌های فرهنگی و اجتماعی گسترده‌تر در مقایسه با تهران و چند شهر دیگر، روند خروج و مهاجرت نخبگان از خوزستان با شدت ادامه داشته است.